



خائن بنهضت ملي ...

وہ کہ آرآن - سفری مداعع کرموں و مونک کے  
اندھیں اسی سبب تھیں کہ پاہلے مسلکہ خدا کا بھائی  
وارثہ الشمار، ۲۰۱

پورنامہ اصلِ مستحقت، ۲۰۷ صدق  
خیرداد، اسکریپشن کے ان ۴ حل منته  
ہند، جزوی مداعع عجیب ملی ما کلینیک مداعع  
کند ایوان مکاریوں پر بحثیخ فیض الدین  
کند کے اسناد میں آمر مکاری دل آن غلیق اسلامی  
کارہ جزوی مدت،

ایں سختا طے فریز ملڑاں پہنچ کے  
+ صلاح بگا جانور دفعہ حرفاں کا جانکار  
مفت پوریہ ملکاں کوئی نہیں پسند کے بلکہ  
تو بڑی ترین حالتیں کہ ملکاں پر کہ جسی  
حالتیں اپنی کامی پر ہو جائیں کہ ملکاں پر اخراج  
عکلی اور کوئی پرانی پرانی اسکالر سیاستیں  
مکمل تریخی امور + دستیں دفتریں ویسی طرز مدد  
مکمل ترین حالتیں ہے جو یہ ملکاں کے  
بینک + صرف بچھے ملے + وہ اپنے کاموں  
فریزوں + بروڈ سوسا پالیٹ اُنہیں باہر پڑیں  
میں میں - جو اپنے کاموں پر کامیابی کرنے والے  
میں میں کے اخراجات کے درجے کی طرح کوئی دستیں  
میں میں اسلامی امور کے درجے کی طرح کوئی دستیں  
کا کیتیں ہیں ایک مادہ بد ام و اکلیں -  
میہمکونہ مداریں مارٹ بند ایک افراط آپا  
جسے جو اپنے ملک کے ملکوں کی طرح کوئی دستیں

سته در ترکیت است، همانطوری که در  
این دست است ... هر آنچه جای ملائمه و  
میتوان آنرا بگذراند، مغایری و مغایر مخالفت  
نموده که بجز این دو نوع، همان دست است که با  
آن دست میتوان این را بگذراند و ناکاره  
نمیکند که دست را با سمعه و لذت  
کمال این دستات بگذراند ... فرمات را با هم برآورده  
و پس از درسته شروع و شرکتی را داشت.  
پیش موارد هی ... آنقدر و این مقدار و مقدار  
بود که من کناره و بزیر و مخالفات من را  
میگذراند و اینکه این دست را با هم برآورده

\* تیپه دینه‌گاه  
\*\* بروز و مطر خودکارهای پالن میانه  
\*\*\* دلخواهی دینه‌گاهی پالن پد و سه هزارون -  
\*\*\*\* خودکارهای تحریر آسیان‌گلشی آمریکاها  
\*\*\*\*\* دست انتقال کامل  
\*\*\*\*\* بروز و مطر خودکارهای پادشاهی ایکسپریس

سچ خودنا بازی کن و خود را بروای میدارد.  
لما آنکه مریوط سرمه ایرانست آنها  
پشدلی بجاتلی از اینکه در قدر خود را این روش  
خواست دوست و دشمن ایشان و دشمنت آنها  
میخواهد کنی. ۱۵

لئے لیوا شرط پیرزی کے امیر الائیم  
جیہے خلائق است کہ لاکرست ملک را دے  
وراپانی احمد کارگران و دھانکار پرم  
لا کر سنا ڈھوندیں

نہیں جس میوہ کے برائے بار  
ولی ملکی متوسل احمد کے لئے بار  
بڑھاں یعنی میری میری میری میری میری  
ند پاندھ بیر کر میکنے میکنے  
پالیم را لے کر وہ کہتے سامنے  
بڑھا کردا آں ملے نہ  
ہ آئندہ ستریں مہاتما کے صفت  
پانچھا دار کا گذشتہ میانچھ غیر ای  
لئی پانچھا کی شرکاں درجاتیں خوبی  
مدد و دستی دی اگر ان کا مددوس مر  
کہ کہ کہ سڑی ہوڑا بیر کر کر کر وہ  
ہریں ہاڑکر ان ہاڑکر ان ہاڑکر  
بیوی پانچھا کے لیے بڑھوں وہ  
بیوی پانچھا کے لیے بڑھوں وہ  
ند واقع پس و دستی دی  
سٹھن کو رکھیں و دستی دی  
بڑھ کے آئے اور

پا به قله دستگاهی به بود از سر  
خواهی آمریکایی را که هنر زانوی  
باشد میگست پسندیده از این میان اینها  
پسندیده همچون را که بسیار کم  
اصحای اینهاست و اینها باید اینهاست  
نمود همانگاه، یعنی درست و خوب و  
بیرونی خود را  
خوبی میگیرند  
لذت بردن از اینهاست  
که هنر اینهاست  
را بخوبی باخوبی میگیرند میگذرند  
نمایه همچون بود که چند منظر از آن  
میگردند، مثلاً اینهاست که بسیار  
عمر انسانی است که در این میانهاست  
طوسی همچویم با خوبی و بسیاری از اینهاست  
میگذرند  
لذت بردن از اینهاست  
که هنر اینهاست  
را بخوبی باخوبی میگیرند میگذرند  
لذت بردن از اینهاست

ما (اک دریچہ میں بول، میون، میونت سٹی  
 اپنے نامیں متعدد ریاستیں تھیں جیسا  
 میکنیکی، یونائیٹڈ نیشنز۔  
 خلیلیانیکی و پرانی کھان دی اور  
 کہ پسندیدہ فین مانع اپنی پالٹھیا  
 اپنی پالٹھیا اگر کسی کو کہ دعویٰ میں  
 مصلح انتشارات دی تو سرکاری ہمہ  
 انتشارات میں مسئلہ آئندہ دوستی  
 کے حکم دیا جاسکتا تھا۔ دوستی میں  
 مرکز پیوں کا بارہ ملکتے وہیں کہ میکنے  
 کی کمی پالٹھی خواہ ایسا میکنے  
 لی آئے دعائے کئے۔ مدد کی کہ جوں  
 اپنے کمیوں پر کیکے، است قطع جیلوں

پھر استخراج ملے جو تکمیل  
پسندیده انسانی دینی و ملی  
بین ما دری کرنے  
**وظائف مبارازان ط**  
وظایف انسان مباراز  
برنیا میں پھر فراز و پیغم  
قائدیت خانہ و دارالسنج  
سلیمانیت و دارالعلم و دار  
مقابل خواری و دارالحدائق  
گردانہ کشکانی و داراللین  
امیرالاسلامی آنراللیک و دار  
عویس و دارالحکم و دار  
جہاد و دارالخلافہ و دارالخلافہ  
برخچ کائن و دارالزوبع و دار  
الزمیح و دارالسیف و دار  
عمران و دارالخلافہ و دار  
الخلافہ و دارالخلافہ و دار  
الخلافہ و دارالخلافہ و دار

سراسیک و از جهه  
انظامی هم استوار هستند  
و گردنگشک سپاه  
که در این سازمان جهه  
با معاون خود کاری  
فرم خود را داشتند  
بروگل افسوس ندارند ایام  
من معاون وزیر امنیت  
و پیشنهاد کردند که آنها  
در کارخانه های خود  
است زیرا همان اسما کمال  
و هدایت کردند باز اینجا  
در هر دو سازمان کوشیدند که  
که هر کسی مانع انجام  
کرد و اینها باید مطلع  
باشند ایام  
و پیشنهاد مذکور  
که اینها میتوانند در مردم  
و پیشنهاد میتوانند در مردم  
قدرت اطمینان، بالا روند این  
همچو افزایش شدید بود  
با این ایام کوئیدند

کارگران، دهقانان، پیشودان، شهنشکران  
علیه ارجاع متحده شدند  
با هرگز استمار کشور ایران مبارزه نکنند

زیر پرچم لذین ...  
 هست میکار اپنک بودی بیدا کرد و آنرا  
 خانه فریاد که شنیدت غصه های خوب  
 بروزه کن اینکه حلقه جبهه را همان سواره  
 شد - اوگل - شاهزاده اخیرین باشند  
 گویا کوئندا نمایند و از خود عده و عده  
 بین طیون گست که همه یکی را در وحدت داشت  
 راه چنان است و آن در طایه العذاب و عرب  
 گویا همیکار اپنک بخت برگرداند  
 آن دو دختر خوبی که شناور و منسر  
 بخشید همانچنان اطیب میکند بخوبی از  
 اینکه جنگل های این زمین را بسیار خوب  
 بخواهند لین و لشکر که میتوانند  
 تحریک های دو دختر موسیانیست و گویا دربره  
 درست آن است شایست هیکن - این این

لیلم دار و دریل اسنان دام کام ملکه مدها  
در پوشل سو سخنوار آنچه میخواهیم  
حرب، وظایف حربی، توسعه اندیشه و اندیشور  
و همچنان با دریل اسنان در ۴۰ پیش از آنکه  
برای اتفاقی دنیا در دنیا در خود حرب گویست  
و در گروههای ۱۱ هر گروه گویست که باید  
و اسنانی نمیبینیم شد سازمان رسانید و اینها  
نهاده شام پروری و میان مردم خوبیست ...  
این این و اسنانی هر چیزی که از اینها  
هر چیزی که از اینها بگذرد اینها آنچه همیشگی  
هستند ... این همه از اینها بگذرد  
که معرفت آن و از اینها معرفت میشوند  
و بر همراهی دیپل اسنانی این اصل تئوری دارد  
که میگویند:

وبلی میخانه‌لر دنیا را بنی خضراب  
پسونت انسانه دنیوی کند؛ و یکی از  
بومیات هرب کشورست—که هری و اما  
لای و لایع جدید می‌باشد. جوان است از  
نوب انداد و انداد از زمین. انداد و انداد از  
السلوب انداد و انداد بوسیلشی کند و دفع  
کاران و نکشان است.<sup>۸</sup>

اعذر دنیوی که از جنگ پیشیم من  
برون آمد، ملت‌های ایران و آسیا را از  
اعشار امیری ایشان رسانی بینده و  
بین سالان اول از این راه کشته و موقوفه بیوی  
جهان سعادتمند کوشش و دریافت، خدم  
و خدمه این ایشان را در ایشانه و ایشانه  
جوان را داشت که شورای مریوان را فر  
صادر فرماده است.

وبلی پیشانی از گفتاری ای احمد  
روزی و باهانه چنان شیوه کرد که می‌داند  
ازد، همان روز طرف اسکون اکتوبری  
دور می‌گردید و جلوس این طرف در این روز  
دور می‌گردید و پرسه است ۱۰۵ کیلومتر  
جهان هرجوی ساخت شوکت شورای رساله  
و گفت که می‌خواهد از دری و دری که می‌داند  
کرک و کلکوار از اندام زستگذشت فراز گردید  
شکسته داشت از این طرف و همین ده دانه  
که هر ده دانه که داشت که داشت که داشت  
و بلی میخانه‌لر مسلمان‌کاری را درین  
سردار دنیوی ستران چهید خطرناکی که محظی  
اسفید و ران درچشم‌داش و خرابان چوچود  
پیش از دهیم از هریک که، آنها را داشت ۱۰ هزار